

نگاهی به دو کتاب با موضوع انقلاب اسلامی؛ «آن مرد با باران می آید» و «میدان انقلاب»

ماجرای بهزاد؛ وسط میدان انقلاب



همین تحول و اتحاد هستند. آن مرد با باران می آید داستانی عالی برای نوجوانان جهت شناخت هرچه بیشتر و بهتر روزهای منتهی به انقلاب است.

امتداد انقلاب

در ظاهر، انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷، یک نقطه پایان برای رژیم پهلوی و به طور کل دوران طولانی پادشاهی در ایران به حساب می آید اما در اصل، این انقلاب ابتدای راهی طولانی و بلندمدت است. این مسأله، حرف اصلی کتاب «میدان انقلاب» است. این کتاب در اصل دو کتاب به هم متصل است: کتاب اول میدان انقلاب بهمن ۱۳۵۷ و کتاب دوم میدان انقلاب بهمن ۱۳۹۷ نام دارد. این اثر جذاب به طور جالبی طراحی شده است و از یک طرف کتاب بهمن ۵۷ و از طرف دیگر بهمن ۹۷ شروع می شود.

کتاب بهمن ۵۷، ۵۰ روایت از دوران محمدرضا شاه و نحوه سلطنتش و شرایط جامعه و مردم ایران در زمینه های گوناگون اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... است و کم کم روایت های سمت مبارزات مردم با رژیم پهلوی تحت رهبری امام خمینی می رود و در نهایت در روایت پنجاهم به پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۵۷ می رسد. این پایان کتاب اول است و دوم یعنی بهمن ۹۷، همان روزهای بعد از پیروزی انقلاب آغاز می شود. در این کتاب به دوران ۴۰ ساله پس از انقلاب تا سال ۹۷ پرداخته شده است. از اتفاقات سال های ابتدایی مانند همکاری های مردم در زمینه های مختلف جهاد سازندگی، رسیدگی به نقاط ضعف ها و خلأها، آغاز جنگ تحمیلی، ترورها و...

و... شروع می شود سپس به دستاوردهای علمی، نظامی و صنعتی مختلف جمهوری اسلامی در دوران ۴۰ ساله نخستش می پردازد. این کتاب نیز شامل ۵۰ روایت است که امتداد انقلاب را در جمهوری اسلامی نشان می دهد. راهی که هنوز هم ادامه دارد و ان شاء... درخشان تر نیز می شود.

کتاب ویژگی های مثبت گوناگونی دارد. نکته اول زبان داستانی هر روایت است. نویسنده کتاب یعنی سید محمد مهاجرانی تلاش کرده تا مطالب در قالب روایت های خشک تاریخی بیان نشود و تا حدودی نیز در این زمینه یعنی داستانی کردن وقایع تاریخی موفق بوده است. در ضمن هر روایت به صورت کوتاه بیان شده و تصویرگری های خوب مجید صابری نژاد نیز به اثرگذاری مطالب کمک شایان توجهی کرده است. مجموع این ویژگی ها، کتاب را مناسب نوجوانان کرده است؛ گروهی که بخشی از آنان با توجه به رسانه های گوناگون در دسترس شان، از بسیاری از حقایق دور شده و مطالبی ناصحیح را به عنوان حقیقت باور کرده اند. کتاب میدان انقلاب با روایت مختصر، مفید و جذاب از نقاط مهم تاریخ معاصر ایران در قبل و بعد از انقلاب در ۱۰۰ روایت کوتاه، می تواند برای این گروه مهم و آینده ساز بسیار کاربردی باشد تا آنها با خط اصلی فکری و عملی ایران اسلامی آشنا شده و همچنین از سیاهی و ناامیدی های زیادی که امروزه بسیاری در حال تزریق آن در جامعه هستند، دور شوند.

اتحاد قلوب

یک خانواده معمولی در محله ای ساده در تهران زندگی می کنند. در روال عادی زندگی، پدر هر روز سر کار می رود و مادر در خانه مشغول کار و بچه ها هم هرکدام سرگرم درس و دانشگاه و مدرسه هستند. اما مشکل اینجاست که شرایط کاری کرده که روال عادی زندگی به هم بخورد! در شب های حکومت نظامی که مدام صدای تیر و درگیری نیز بلند می شود، بهروز پسر بزرگ خانواده هنوز برنگشته و اعضای خانواده نگران او هستند.

این بخش آغازین داستان کتاب «آن مرد با باران می آید» اثر وجیهه علی اکبری سامانی است. داستانی که با محوریت این خانواده به روزهای پیش از انقلاب از مهر ۵۶ تا فرار شاه در ۲۶ دی همان سال می پردازد. شخصیت اصلی داستان، بهزاد پسر کوچک و مدرسه ای این خانواده است که به طور کل در جریان مسائل سیاسی و اجتماعی روز نیست. او پسری بی دل و جرات است که اصلا اصراری به قهرمان بازی ندارد و سرش توی لاک خودش است.

اما کم کم به واسطه کارهای برادرش بهروز و دوستش سعید و دیگر دوستان و هم محله ای هایش با مسائل روز جامعه آشنا می شود. به این ترتیب از مبارزات انقلابی سر درمی آورد و به کارهایی مانند شرکت در تظاهرات، چسباندن اعلامیه، شعارنویسی و... می پردازد. حتی دیگر به مخالفت های پدرش که از ترس جان بچه هایش به آنان اجازه شرکت در مبارزات را نمی دهد، توجهی نمی کند.

سیر خطی داستان و اتفاقاتی که در کتاب بیان شده است، صعودی منطقی و پلکانی دارد و مخاطب قدم به قدم با بهزاد و اطرافیانش همراه می شود. کتاب به خوبی اوضاع جامعه، خانواده ها و افراد را در آن روز تصویر کرده است. مردمی که حرف خانه و خیابان و مسجد و محل کارشان، حول مبارزات انقلاب و امام خمینی و شاه می گشت. وجیهه سامانی به خوبی توانسته است انقلاب را به جای یک مسأله فقط بیرونی و تاریخی، به عنوان یک اتفاق بزرگ درونی و اجتماعی بیان کند. انقلاب اسلامی ایران، یک کودتای نظامی یا خواست تنها عده معدودی از مسئولان یا نظامیان نبود، بلکه یک تحول درونی در قلوب و دل های مردم بود که همه را یکصدا کرد و به لطف خدا و تحت رهبری امام خمینی این انقلاب به پیروزی رسید. این تحول درونی که اصلی ترین تفاوت انقلاب اسلامی ایران با باقی انقلاب های دنیاست، قلوب مردم را در راستای خدا و دین خدا متحد کرد و به قول شهید صدر، آرزوی انبیا و اولیای الهی به این وسیله برآورده شد. بهروز، بهزاد، بهناز، پدرشان و همه دوستان و هم محله ای ها و هم شهری هایشان نماد

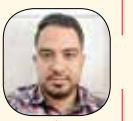


محمدرضا خراسانی زاده

نویسنده

روایت ماندگار

درباره کتاب ارزشمند لحظه های انقلاب جملات رک و راست سید محمود



هاشم نصیری

نویسنده

همه ما از روزهای زمستانی و پر التهاب سال ۵۷ خاطراتی را دیده یا شنیده ایم. خاطراتی با زاویه دیدهای متفاوت و گاهی اوقات منحصر به فرد. یکی از این خاطرات خاص و منحصر به فرد، خاطرات مرحوم محمود گلابدreh از دوران مبارزه با حکومت پهلوی است. این خاطرات ارزشمند که در زمره تاریخ شفاهی برجسته ادبیات ایران به شمار می رود، تحت عنوان لحظه های انقلاب، توسط خود محمود گلابدreh ای گردآوری شده است. نویسنده تلاش کرده است بدون ایجاد رنگ و لعاب اضافی و بدون حتی ذره ای بزرگ نمایی، گوشه ای از حماسه های مردمی در دوران مبارزه با استبداد را برای تاریخ، به یادگار بگذارد. او از هفدهم شهریور شروع می کند و به بیست و دوم بهمن می رسد. از ماه رمضان تا محرم و صفر. از سرمای شدید هوا و حرارت خون های بر زمین ریخته شده. از تکاپوی مردم تهران و محله محبوبش، گلابدreh. از دسته های عزاداری سیدالشهدا (ع) که همگی به تظاهرات و قیام علیه ظلم و ستم ختم می شدند. از نونهالانی که چشم به راه رسیدن لحظه های پیروزی انقلاب و بارور شدن درخت آرزوهای پدران رنج کشیده شان بودند. از رفتن بختیار و آمدن امام. گلابدreh ای که از اهالی ادبیات بود و شاگردی جلال آل احمد بر روحیاتش تأثیر گذاشته بود، می دانست باید یک جفت چشم و گوش قرض کند و جزئیات را با دقت بالایی ببیند و ثبت کند. بی اغراق می شود گفت هیچ روایت دست اولی از روزهای پیروزی انقلاب به اندازه جملات رک و راست سید محمود، دل آدم را نمی لرزاند و یاد و خیال را به آن روزهای خون و گلوله نمی برد. از سیمین دانشور تا شهید مفتاح، کتاب لحظه های انقلاب را ارزشمند و دارای نثری صادق و گیرا ارزیابی کرده اند و در متن کتاب نیز می توان شاهد به وجد آمدن مولف از مرور خاطرات دوران جوانی اش بود. در برگه ای از این کتاب می خوانیم: «دیدم نشستن پای این منبر و به وعظ گوش کردن، بانسختن پای منبرها و به وعظ گوش کردن ها و جرت زدن ها و بعد، گریستن و دعا کردن ها و ندبه و استغاثه کردن ها و ذلیل و خوار و زبون، تن به هر ذلت و مصیبت و فلاکتی دادن و در انتظار تقدیر، تن به تسلیم و رضا دادن و راضی بودن های سابق، فرق دارد. زدم به آب، این سیل خروشان، همان حرکت تند خانه براندازی بود که در خیال هم حتی باورش نمی کردم. ناگهان خروشی افتاد توی موج خلق و از جاکنده شدند و در یک آن، صدا پیچید و نعره شد و صداها یک صدا شد و غرید: «تنهاره سعادت... ایمان، جهاد، شهادت». موج به طرف میدان ژاله به حرکت درآمد و نیم ساعت بعد، سد رگبار گلوله از روبه رو و آتش گرفته بنزین و نفت که قبل از ریخته بودند کف خیابان و میدان، سیل جمعیت را پس زد.»



در ظاهر، انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷، یک نقطه پایان برای رژیم پهلوی و به طور کل دوران طولانی پادشاهی در ایران به حساب می آید اما در اصل، این انقلاب ابتدای راهی طولانی و بلندمدت است

